



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

فریب بزرگ



فریب بزرگ

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی پروفیسور مسعود درخشان
در رویداد ملی هجرت ۲؛ روایت فتح می باشد.



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: فریب بزرگ

سخنران: پروفسور مسعود درخشان

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: اقتصاد غرب‌زده، عدالت اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، جهاد تبیین اقتصادی

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۱۹۱۱۵۴

تاریخ نشر: تیرماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

- ۱..... مقدمه
- ۲..... پیام روشنگرانه امام خمینی ره و چالش های دنیای امروز
- ۳..... مقام معظم رهبری دامت برکاته و علوم انسانی غربی
- ۵..... الگوی اسلامی اقتصاد خارج از قلمرو اقتصاد
- ۵..... اهمیت پیوست عدالت
- ۶..... میدان نبرد آگاهان و ناآگاهان
- ۶..... پیوست سیاسی و پیوست اجتماعی
- ۷..... اقتصاد غرب زده، بالای جان ایران
- ۸..... مسیر فعلی اقتصاد کشور



فریب بزرگ

باسمه تعالی

مقدمه

در جلسه‌ای با عنوان «جهاد تبیین اقتصادی»، سوالی مطرح شد که ریشه مشکلات اقتصادی کشور را به چالش می‌کشد: «چرا با وجود تورم، بیکاری و کاهش ارزش پول ملی، شاهد فرهنگ اقتصادی مبتنی بر دلالی و سفته‌بازی هستیم؟» گروهی بدون هیچ تلاش و فعالیتی سود می‌برند و از ناآگاهی دیگران سوءاستفاده می‌کنند.

این معضلات آشکارند، اما چرا اقتصاددانان به دنبال ریشه اصلی آنها نیستند؟ مردم عادی معتقدند که یافتن راه‌حل مشکلات اقتصادی بر عهده آنان نیست، اما به واقع دلیل مشکلات، بی‌توجهی مردم به نظرات اقتصاددانان با عدم اجرای آنهاست.

اما در این نوشتار، دیدگاهی متفاوت ارائه می‌شود: اقتصاددانان خود عامل اصلی این مشکلات هستند؛ چراکه دانش آنها از اسلام و انقلاب اسلامی فاصله دارد و با آن بیگانه است. در کتاب «علم اقتصاد یا اقتصاد علم‌نما» به این موضوع پرداخته شده است که آنچه در دانشگاه‌ها و به عنوان علم اقتصاد تدریس می‌شود، در واقع «اقتصاد علم‌نما» است؛ فریبی بزرگ که خود را به جای علم جا زده است.

به گفته رهبر معظم انقلاب (عجله الله تعالی فرجه)، ریشه مشکلات ما در غفلت از سه موضوع کلیدی توسط اقتصاددانان، دانشجویان این رشته و رسانه‌هاست. رسانه‌های معاند که جای خود را دارند، اما غفلت رسانه‌های همسو با انقلاب جای تأسف دارد. این سه موضوع مغفول مانده عبارتند از:

۱. مفهوم انقلاب اسلامی: برخی معتقدند انقلاب اسلامی یک سوء تفاهم بوده که رفع شده است! این دیدگاه خطرناکی است که متأسفانه رواج یافته. مفهوم، اعتبار و ارزش انقلاب اسلامی، که برای اولین بار در کشور ما به وقوع پیوست، به تدریج از پس از جنگ تحمیلی و با روی کار آمدن دولت سازندگی و دولت‌های بعدی کم‌رنگ شده است. تعداد اندکی از اساتید اقتصاد به انقلاب اقتصادی معتقدند.



فریب بزرگ

انقلاب اسلامی در تمام عرصه‌ها، از جمله اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارزش‌ها، انقلابی بنیادی بوده است. اما عده‌ای با طرح این که دوران این حرف‌ها گذشته، زمینه را برای وضع نابسامان اقتصادی فعلی فراهم کرده‌اند. این باور غلط که دوران انقلاب و ارزش‌ها به سر آمده، بازتاب خود را در فرهنگ جامعه و عملکرد مجلس نشان می‌دهد، جایی که صحبت‌های نمایندگان از روحیه انقلابی تهی است.

۲. فرمایشات حضرت امام رهبر: این روزها اصلاً صحبتی از فرمایشات حضرت امام رهبر نیست. آیا تاکنون شنیده‌اید نماینده‌ای در مجلس یا حتی رسانه‌های در خط انقلاب به فرمایشات حضرت امام رهبر استناد کند؟! ۳. فرمایشات مقام معظم رهبری دام‌ظله: این سه مورد باید احیا شوند: مفهوم انقلاب، فرمایشات حضرت امام رهبر و فرمایشات حضرت آقا دام‌ظله. بنده چند مورد از فرمایشات امام خمینی رهبر و مقام معظم رهبری دام‌ظله را بیان می‌کنم تا درک کنید که در زمان حال، فرمایشات این بزرگان چقدر در بین اقتصاددانان، دانشجویان اقتصاد، پژوهشگران و کارشناسان اقتصادی و در وزارتخانه‌ها بی اعتبار است!

پیام روشنگرانه امام خمینی رهبر و چالش‌های دنیای امروز

جمله عمیق امام خمینی رهبر که فرمودند: «روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را بپیمایند»، دریایی از مفاهیم را در خود جای داده است. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که با چه علمی می‌توان با این دو نظام قدرتمند مبارزه کرد؟ امام خمینی رهبر این جمله را پیش از فروپاشی شوروی کمونیستی بیان فرمودند، اما امروزه چالش اصلی ما نظام سرمایه‌داری است. آیا می‌توان با علمی که محصول همین نظام است، به جنگ آن رفت؟ روشن است که پاسخ منفی است.

اقتصاددانان، سیاستمداران و عالمان علوم اجتماعی دانش خود را از غرب و نظام سرمایه‌داری دریافت کرده‌اند. هدف امام خمینی رهبر، بیداری مردم مظلوم کشورهای اسلامی و جهان سوم و نشان دادن راهی برای مقابله با ابرقدرت‌ها، به‌ویژه آمریکا بود؛ اما دانشگاه‌ها از این حقیقت غافل مانده‌اند. چگونه می‌توان با دانشی که از خود



فریب بزرگ

نظام سرمایه‌داری گرفته‌ایم، به آن ضربه بزنیم؟ امام خمینی قدس سره در این زمینه تنها مانده‌اند و نتیجه این غفلت، وضعیت کنونی ماست. کفایت از اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، علوم سیاسی و علوم انسانی پرسید که آیا با سیلی‌زدن بر گونه ابرقدرت‌ها، به‌ویژه آمریکا موافقت یا خیر. پاسخ آن‌ها این خواهد بود که این حرف‌ها چیست؟ سیلی‌زدن بر گونه ابرقدرت‌ها یعنی چه؟ اصلاً چرا باید با آن‌ها بجنگیم؟ یا باید با آن‌ها همکاری کنیم و در این دنیای جهانی حل شویم؟! حتی عده‌ای انقلاب را از انقلاب اسلامی حذف می‌کنند و می‌گویند: «آن مسائل تمام شده است و همه ما یک دنیا داریم و باید با دنیا کنار بیاییم».

مقام معظم رهبری دامه و علوم انسانی غربی

مقام معظم رهبری دامه در سخنی هشداردهنده، «علوم انسانی رایج در دنیای امروز (اقتصاد و علوم دیگر) را ماهیتاً مغایر با حرکت اسلامی و نظام اسلامی می‌دانند.»^۱ تأکید ایشان بر دو واژه «ماهیتاً» و «معارض» نشان‌دهنده عمق این مغایرت و خطرات آن است؛ چراکه با حرکت اسلامی مخالف است. متأسفانه، فقه و اقتصاد اسلامی پس از گذشت چهار دهه از انقلاب، هنوز نتوانسته‌اند جایگزینی درخور برای این علوم غربی ارائه دهند. دلیل این امر، تسلط تفکر غربی بر ابعاد مختلف آموزشی، پژوهشی و کارشناسی در کشور است.

کسانی که در این سطوح فعالیت می‌کنند، با همان دانش و آگاهی‌ای که از غرب و نظام سرمایه‌داری گرفته‌اند، به تدریس، پژوهش و سیاست‌گذاری می‌پردازند. طبیعی است که پذیرش سخنان رهبری دامه برای آن‌ها دشوار باشد، چرا که این سخنان به معنای زیرسوال رفتن بنیان‌های فکری و علمی آن‌هاست. ایشان می‌فرمایند: «این علوم [که از غرب آمده]، متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد». گویی این علوم، ستمی مهلک برای اندیشه و حرکت اسلامی هستند.

رهبر معظم انقلاب دامه در ادامه به پیامدهای ناگوار این تفکر غربی اشاره می‌کنند. ایشان معتقدند که این علوم،

(۱) بیانات در جمع طلاب قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.



فریب بزرگ

تفکر علمی، تفکر انقلابی، روحیه انقلابی، عملکرد جهادی را از بین می‌برند. کسانی که شیفته اقتصاد غربی هستند، با هرگونه تفکر و روحیه انقلابی سر ناسازگاری دارند. آن‌ها خواهان تفکر علمی و روحیه همکاری و مواظبت و حل شدن در نظام جهانی هستند. به نظر آن‌ها، پیشرفت تنها در ذوب شدن در نظام جهانی و حرکت در مسیر برنامه‌های از پیش تعیین شده امکان‌پذیر است.

این طرز تفکر، در تضاد آشکار با عملکرد جهادی و انقلابی است که لازمه تحقق اهداف اسلامی است. به همین دلیل است که رهبر انقلاب بارها بر لزوم بازنگری در علوم انسانی و اسلامی کردن آن‌ها تأکید کرده‌اند. متأسفانه، سخنان ایشان به درستی درک و اجرا نشده و عده‌ای به جای توجه به هشدارهای رهبری «لَا تَقْلِبْهُ»، آن را عامل کار خراب‌کن می‌دانند. اما کسانی که در معتبرترین مراکز دنیا، علم اقتصاد غربی را فرا گرفته‌اند، به خوبی می‌دانند که این علوم چیزی جز فریب و اقتصاد علم‌نما نیستند.

همچنین ایشان در ادامه می‌فرمایند: «وقتی این‌ها رایج [و در دانشگاه‌ها تدریس] شد، مدیران براساس آن‌ها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند».

رئیس بانک مرکزی اقتصاد غربی خوانده و به همان مطالب نیز معتقد است؛ از طرفی وقتی به مرحوم سید محسن نوربخش^۱، اوایل انقلاب پیشنهاد کردند وزیر اقتصاد یا رئیس بانک مرکزی شود، گفت: «من در آمریکا درس خوانده‌ام و همان‌ها را بلدم، اقتصاد اسلامی را نمی‌فهمم». همین مدیران در رأس دانشگاه یا اقتصاد کشور قرار می‌گیرند، رئیس بانک مرکزی یا وزیر اقتصاد می‌شوند، در رأس مسائل امنیتی و سیاسی داخلی یا خارجی قرار می‌گیرند مانند آقای ظریف.

پیشنهاد مقام معظم رهبری «لَا تَقْلِبْهُ» در این شرایط، اقتصاد مقاومتی است، اما خیلی از افراد به آن اعتقاد ندارند. در

۱. وزیر امور اقتصادی و دارایی در دولت پنجم.



فریب بزرگ

یکی از سخنرانی‌ها در مورد اقتصاد مقاومتی، یکی از دوستان سوالی با این عنوان مطرح کردند: «اقتصاد مقاومتی دقیقاً یعنی چه؟ ما که علم اقتصاد داریم». برای روشن‌تر کردن موضوع، گفتم: «اقتصاد مقاومتی همان چیزی است که در غرب تحت عنوان "اقتصاد تاب‌آور" شناخته می‌شود». ایشان تا زمانی که ردپایی از این مفهوم را در غرب ندیدند، آن را نپذیرفتند.

الگوی اسلامی اقتصاد خارج از قلمرو اقتصاد

مقام معظم رهبری علیه‌السلام الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را مطرح می‌کنند، اما برخی اقتصاددانان معتقدند که الگو باید صرفاً علمی باشد و اسلامی کردن، الگوهای توسعه، بانکداری، رشد و تجارت خارجی، به ضرر آنها خواهد بود. از نظر این اقتصاددانان، الگو باید مبتنی بر علم اقتصاد باشد و هرگونه ایدئولوژی یا ملاحظات غیرعلمی، می‌تواند مخرب باشد. در مجموع، این اقتصاددانان، الگوهای اسلامی-ایرانی را خارج از قلمرو دانش و تخصص خود می‌دانند و معتقدند که این الگوها، راه‌حل‌های مناسبی برای چالش‌های اقتصادی ایران ارائه نمی‌دهند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام تأکید کرده‌اند که برای هر تصمیم کلان اقتصادی، باید دو پیوست مجزا تهیه شود: «پیوست عدالت» و «پیوست فرهنگی». ایشان در این راستا، تأسیس مرکز مبادلات دلار و سکه را به عنوان نمونه‌ای از تصمیمات بزرگ اقتصادی مطرح می‌کنند.

اهمیت پیوست عدالت

پیوست عدالت به بررسی این موضوع می‌پردازد که یک تصمیم اقتصادی چه تأثیری بر عدالت و شکاف طبقاتی در جامعه خواهد داشت. به عبارت دیگر، باید ارزیابی شود که آیا این تصمیم به نفع اقشار ضعیف جامعه خواهد بود یا خیر؟ همچنین باید بررسی شود که آیا این تصمیم به رونق سفته‌بازی و دلالتی در کشور منجر می‌شود یا نه؟



فریب بزرگ

این مباحث مربوط به چهل سال پیش نیستند، به عنوان نمونه به «تالار معاملات طلا و ارز» و «خرید و فروش مسکن» اشاره می‌کنیم. آیا مطالعه شده است که این معاملات چه تأثیری بر جنگ‌های عدالت اقتصادی دارند؟ آیا می‌خواهیم به بهای ایجاد نظام سفته‌بازی و دلالی و ایجاد انتظارات غلط در مردم و چپاول مردم با علم و آگاهی، قیمت دلار را پایین بیاوریم

میدان نبرد آگاهان و ناآگاهان

بورس می‌تواند میدان دلالی و سفته‌بازی باشد؛ جایی که عده‌ای با اطلاع‌رسانی نادرست و ایجاد شرایط فریبنده، مردم را به اشتباه می‌اندازند. در این میان، کارگزاری که همدست آنان هستند نیز نقشی اساسی در گمراه کردن مردم داشته و ثروت این افراد ناآگاه را به جیب آگاهان سرازیر می‌کنند.

بیست سال پیش، زمانی که دانش بورس در ایران در ابتدای راه خود بود، اولین کتاب تخصصی معاملات بورسی را در هفتصد صفحه به رشته تحریر درآوردم. این کتاب که هنوز هم تدریس می‌شود، مبنای آموزش بسیاری از فعالان کنونی بازار بورس است. پس از آن، دکتر صالح‌آبادی با ترجمه کتابی دیگر، گامی دیگر در جهت ارتقای دانش بورسی در کشور برداشتند.

پیوست سیاسی و پیوست اجتماعی

به جز پیوست عدالت و پیوست فرهنگی، واژگان پیوست سیاسی و پیوست اجتماعی نیز قابل تأمل‌اند. پیوست سیاسی داستانی ناگفته از پیامدهای تالار ارز و طلا است. داستانی از نیروهایی که در این تالار تربیت می‌شوند، سودهایی که به جیب عده‌ای خاص سرازیر می‌شود و ثروت‌های خردی که از مردم گرفته و در جیب یک اقلیت انباشته می‌شود. اما آیا این انباشت ثروت بی‌تأثیر بر قدرت سیاسی نیست و صاحبان این ثروت انباشته شده قطعاً در نظام سیاسی نفوذ می‌کنند. این افراد با سرمایه‌ای که از طریق کلاهبرداری از مردم به دست آورده‌اند، در ساختار قدرت نفوذ می‌کنند و در نهایت، صدای خود را به جای صدای مردم در تصمیم‌گیری‌ها حاکم می‌کنند.



فریب بزرگ

جای تعجب نیست که این افراد، منشأ تمام مشکلات را یک شخص می‌دانند؛ چراکه او تنها کسی است که در برابر تسلط آنها بر قدرت و ثروت ایستادگی می‌کند و آن شخص، مقام معظم رهبری «ام‌ظله» است و بهتر است که مبلغان این رسالت و این حقیقت مهم را برای مردم آشکار کنند.

اقتصاد غرب‌زده، بلای جان ایران

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی روبرو بوده است. برخی منتقدان ریشه این مشکلات را در اندیشه‌های غرب‌گرایانه اقتصاددانان و دل‌باختگی آنها به تئوری‌های اقتصادی غربی می‌دانند. از نظر این منتقدان، این تئوری‌ها که به غلط «علم» خوانده می‌شوند، در واقع فریب‌هایی هستند که اقتصاد ایران را به وضعیت کنونی سوق داده‌اند. آیا آقای رفسنجانی از دانش اقتصادی کافی برخوردار بود و مشاوران و اطرافیان او چه کسانی بودند و چه نقشی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی داشتند؟

آقای رفسنجانی در خاطرات خود به جلسه‌ای با آقایان مسعود نیلی^۱، مسعود روغنی زنجانی^۲ و دیگران اشاره می‌کند که در آن بر اجرای برنامه «تعدیل ساختاری»^۳ اصرار می‌ورزند. پیش از این افراد نیز گروهی دیگر در کنار آقای رفسنجانی حضور داشتند که اطلاعات چندانی از آنها در دست نیست. صحبت‌های آقای رفسنجانی در دوران قبل از آن سرشار از مفاهیم انقلابی بود، اما بعد از آن، شاهد تغییر رویه ایشان و طرح مباحثی مانند «مانور تجمل» در نماز جمعه بودیم.

۱. مسعود نیلی (۱۳۳۴) اقتصاددان و مدرس بازنشسته دانشگاه است. وی مشاور رئیس جمهور و سرپرست تیم تهیه کننده برنامه اقتصادی و سیاست پولی دولت یازدهم و دوازدهم جمهوری اسلامی ایران و دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی دولت دوازدهم بود.

۲. مسعود روغنی زنجانی (۱۳۳۲) سیاستمدار ایرانی و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی است که معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در دولت میرحسین موسوی و اکبر هاشمی رفسنجانی بوده است.

۳. برنامه‌های تعدیل ساختاری یا Sap (به انگلیسی: Structural adjustment programmes) شامل وام‌های ارائه شده توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهایی است که بحران‌های اقتصادی را تجربه کرده‌اند. این دو نهاد برتون وودزی کشورهای قرض گیرنده را ملزم می‌کنند در ازای گرفتن وام‌های جدید (و یا نرخ‌های بهره پایین‌تر در وام‌های موجود) سیاست‌های خاصی را پیاده کنند.



فریب بزرگ

افرادی مانند آقای مسعود نیلی که در حلقه مشاوران آقای خاتمی حضور داشتند، در زمان آقای روحانی نیز به عنوان مشاور اصلی ایشان فعالیت می‌کردند. با این حال، گویی این حلقه مشاوران نتوانستند در پیشبرد اهداف اقتصادی دولت روحانی نقشی موثر ایفا کنند. آقای روحانی علیرغم برخی کاستی‌ها، صراحتاً از عملکرد مشاوران اقتصادی خود انتقاد کرد و گفت: «به نظر می‌رسد این اقتصاددانان حرف جدیدی برای گفتن ندارند و تنها راه حلی که مدام برای مشکلات اقتصادی کشور ارائه می‌کنند، کنترل نقدینگی و مهار تورم از این طریق است».

اخيراً تصمیم جدیدی از سوی تیم مشاوران آقای رئیسی اتخاذ شده که با عنوان «سپرده نفتی» شناخته می‌شود. در قالب این طرح، اوراق بهاداری منتشر خواهد شد که هر کدام معادل یک بشکه نفت خام با قیمت ۴۷ دلار است. خریداران این اوراق به نوعی صاحب یک بشکه نفت خام می‌شوند.

اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که افراد عادی با یک بشکه نفت خام چه می‌توانند بکنند و آن را کجا می‌توانند ذخیره کنند؟ اساساً وظیفه دولت فروش نفت خام نیست، چرا که پالایشگاه ندارد.

اخيراً طرحی مطرح شده مبنی بر فروش نفت به کارگزاران بورس و شرکت‌های سرمایه‌گذاری، به عبارتی دلالان! درحالی که نیازی به واسطه در این زمینه وجود ندارد، اما قصد بر فروش نفت به این افراد و سپس توسط آنها به سایرین یا مشتریان خارجی است. آیا این طرح با عدالت اقتصادی همخوانی دارد؟ ظاهراً این طرح به تصویب رسیده، اما پیوست‌های آن کجاست و جزئیات این طرح چه چیزهایی را شامل می‌شود؟

مسیر فعلی اقتصاد کشور

فرمایش رهبر معظم انقلاب «مِثْلَهُ» بی‌پاسخ مانده است. سکوت نمایندگان مجلس در قبال این طرح جای تأمل دارد و هیچ‌کس در مجلس این سوال را مطرح نمی‌کند که پیوست‌های فرهنگی و اقتصادی این طرح کجاست و چه فرهنگی را ترویج می‌کند؟

مسیر فعلی ما به سمت نظام مالی و ساختار قدرت آمریکایی است. در ایالات متحده، این شرکت‌ها هستند که



فریب بزرگ

رئیس‌جمهور را تعیین می‌کنند و در ایران نیز شاهدیم که شرکت‌های بزرگ، سرمایه‌گذاران مالی، مودیان مالیاتی بزرگ، دلالان، سوداگران و کسانی که از مردم سوءاستفاده می‌کنند، در حال حرکت در همین مسیر هستند و این روند را ادامه خواهند داد. این افراد در ابتدای مسیر هستند و هدفشان کسب قدرت بیشتر و در نهایت تعیین رئیس‌جمهور است!

ریشه مشکلات کشور را می‌توان در تسلط اندیشه اقتصادی غربی بر تفکر نمایندگان و نظام سیاسی جستجو کرد. این اندیشه که عمدتاً برگرفته از مدل اقتصاد آمریکایی است، در گذشته توسط انگلستان ترویج می‌شد و امروزه نیز آمریکا پرچمدار آن است و انگلستان نیز در خدمت اهداف آن عمل می‌کند.

چگونه می‌توان با اتکا به اندیشه اقتصادی غربی، نظام سیاسی ولایت فقیه داشت و به دنبال ترویج فرهنگ و ارزش‌های اسلامی بود؟ ترویج فرهنگ امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ائمه اطهار (علیهم السلام) با طرز فکر، روابط، نظام اجتماعی، فرهنگ و ارزش‌های غربی هیچ سنخیتی ندارد و این امر جز خام‌اندیشی محض نیست.

اللهم صلِّ على محمد وآل محمد



مقام معظم رهبری دامنه‌الله:

«اقتصاد مقاومتی، یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم می‌کند و استحکام کشور را در مقابل تکان‌های خارجی افزایش می‌دهد؛ این معنای اقتصاد مقاومتی است.»

(بیانات در دیدار مردم اصفهان؛ ۱۳۹۵/۰۸/۲۶)

ریشه مشکلات ما در غفلت از سه موضوع کلیدی توسط اقتصاددانان، دانشجویان این رشته و رسانه‌هاست. رسانه‌های معاند که جای خود را دارند، اما غفلت رسانه‌های همسو با انقلاب جای تأسف دارد. این سه موضوع مغفول مانده عبارتند از:

۱. مفهوم انقلاب اسلامی
 ۲. فرمایشات حضرت امام قدس سره
 ۳. فرمایشات مقام معظم رهبری دامنه‌الله
- این سه مورد باید احیا شوند ...